



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

لیست کامل رنگ‌ها به انگلیسی + مثال و ترجمه

ارسال شده توسط مصطفی ساهری | مقالات زبان انگلیسی | ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ | ۸۷.۱۴k بازدید

لیست کامل رنگ‌ها به انگلیسی

Colors in English

مثال و ترجمه +

zabanmaster.com

در این مقاله می‌خواهیم لیست کامل رنگ‌ها در انگلیسی را به صورت کاملاً کاربردی و قابل استفاده در مکالمه یاد بگیریم. تسلط بر نام رنگ‌ها فقط برای حفظ لغت نیست؛ بلکه برای توصیف اشیا، لباس، محیط، طراحی و حتی بیان احساسات در زبان انگلیسی ضروری است. همچنین در این مطلب به رنگ‌های پایه، ترکیب رنگ‌ها در انگلیسی، سایه‌های مختلف و کاربرد آن‌ها در جمله‌سازی می‌پردازیم تا در پایان بتوانید هر رنگی را دقیق و طبیعی به انگلیسی بیان کنید.

موضوعات این مقاله

۱ رنگ‌های اصلی در انگلیسی (Primary Colors)

۲ رنگ‌های پایه‌ی رایج در زندگی روزمره

۳ رنگ‌ها به انگلیسی – رنگ‌های ترکیبی رایج (Tertiary Colors)

۴ رنگ‌ها به انگلیسی – سایه‌ها و تنوع رنگ‌ها (Shades, Tints, Tones)

۵ توصیف رنگ‌ها (صفت‌هایی برای رنگ‌ها به انگلیسی)

۶ جمع بندی

۷ سوالات متداول رنگ‌ها به انگلیسی

[بیشتر بخوانید: لیست کامل لباس‌ها در انگلیسی](#)

رنگ‌های اصلی در انگلیسی (Primary Colors)

رنگ‌های اصلی در مدل سنتی شامل **red, blue, yellow** هستند؛ یعنی رنگ‌هایی که از ترکیب آن‌ها می‌توان بقیه رنگ‌ها را ساخت. این سه رنگ، پایه‌ترین و مهم‌ترین واژگان در موضوع رنگ‌ها محسوب می‌شوند.

blue

آبی

The sky is very **blue** today.

امروز آسمان خیلی آبی است.

red

قرمز

She bought a **red** dress for the party.

او برای مهمانی یک لباس قرمز خرید.

yellow

زرد

The **yellow** flowers make the garden look bright.

گل‌های زرد باعث می‌شوند باغ روشن و زیبا به نظر برسد.

رنگ‌های پایه‌ی رایج در زندگی روزمره

black

مشکی

He bought a **black** T-shirt yesterday.

او دیروز یک تی شرت مشکی خرید.

white

سفید

Her room looks bigger with **white** walls.

اتاقش با دیوارهای سفید بزرگ تر به نظر می رسد.

blue

آبی

I love **blue** cars because they look modern.

من ماشین های آبی را دوست دارم چون مدرن به نظر می رسند.

red

قرمز

The **red** sign means you must stop.

علامت قرمز یعنی باید توقف کنید.

green

سبز

There are many **green** trees in this park.

در این پارک درختان سبز زیادی وجود دارد.

yellow

زرد

Yellow lights warn you to slow down.

چراغ زرد به شما هشدار می دهد که آهسته برانید.

orange

نارنجی

She chose an **orange** bag for school.

او یک کیف نارنجی برای مدرسه انتخاب کرد.

purple

بنفش

Purple flowers are very popular in spring.

گل‌های بنفش در بهار بسیار محبوب هستند.

pink

صورتی

The baby's blanket is **pink**.

پتوی نوزاد صورتی است.

brown

قهوه‌ای

He wears **brown** shoes to work every day.

او هر روز با کفش‌های قهوه‌ای به سر کار می‌رود.

gray/grey

خاکستری

The sky is **gray** today because it might rain.

امروز آسمان خاکستری است چون ممکن است باران بیارد.

رنگ‌ها به انگلیسی – رنگ‌های ترکیبی رایج (Tertiary Colors)

turquoise

فیروزه‌ای

She bought a **turquoise** scarf for summer.

او برای تابستان یک شال فیروزه‌ای خرید.

teal

آبی نفتی / سبز آبی تیره

The couch in their living room is **teal**.

کاناپه‌ی اتاق نشیمنشان آبی نفتی است.

navy blue

سرمه‌ای

He prefers **navy blue** suits for formal events.

او برای مراسم رسمی کت و شلوار سرمه‌ای را ترجیح می‌دهد.

lavender

یاسی / بنفش کمرنگ

Lavender curtains make the room feel soft and cozy.

پرده‌های یاسی اتاق را نرم و دلنشین می‌کنند.

magenta

سرخابی / ارغوانی روشن

The artist used **magenta** to highlight the flowers.

هنرمند از رنگ سرخابی برای برجسته کردن گل‌ها استفاده کرد.

cyan

سبزآبی روشن / سیان / فیروزه‌ای روشن

The printer ran out of **cyan** ink.

چاپگر جوهر سیانش تمام شد.

رنگ‌ها به انگلیسی – سایه‌ها و تنوع رنگ‌ها (Shades, Tints, Tones)

light blue

آبی روشن

She decorated the baby's room with **light blue** walls.

او اتاق نوزاد را با دیوارهای آبی روشن تزئین کرد.

dark blue

آبی تیره

He bought a **dark blue** jacket for winter.

او برای زمستان یک کاپشن آبی تیره خرید.

light pink

صورتی روشن

Light pink roses are perfect for weddings.

گل‌های رز صورتی روشن برای مراسم عروسی عالی هستند.

hot pink

صورتی جیغ / پررنگ

She chose a **hot pink** phone case.

او یک قاب گوشی صورتی جیغ انتخاب کرد.

ice blue

آبی یخی

The **ice blue** dress looked very elegant.

لباس آبی یخی بسیار شیک به نظر می‌رسید.

jet black

مشکی پررنگ / مشکی خالص / مشکی پرکلاغی

His hair was completely **jet black**.

موهای او کاملاً مشکی خالص بود.

dark brown

قهوه‌ای تیره / قهوه‌ای سوخته

The table is made of **dark brown** wood.

میز از چوب قهوه‌ای تیره ساخته شده است.

beige

بژ / کرم مایل به قهوه‌ای

Many hotels use **beige** towels.

بسیاری از هتل‌ها از حوله‌های بژ استفاده می‌کنند.

tan

قهوه‌ای مایل به طلایی (برنزه)

She bought a pair of **tan** boots last week.

او هفته گذشته یک جفت چکمه قهوه‌ای مایل به طلایی خرید.

charcoal gray

خاکستری زغالی

The office walls were painted **charcoal gray**.

دیوارهای دفتر به رنگ خاکستری زغالی رنگ شده بودند.

silver

نقره‌ای

He has a **silver** laptop.

او یک لپ‌تاپ نقره‌ای دارد.

golden

طلایی

She has **golden** hair.

موی طلایی دارد.

olive green

سبز زیتونی

Olive green jackets are popular in autumn.

کاپشن‌های سبز زیتونی در پاییز محبوب هستند.

mint green

سبز نعنائی

Mint green is a trendy color for kitchens.

سبز نعنائی رنگی مد روز برای آشپزخانه هاست.

mustard yellow

زرد خردلی

She bought a **mustard yellow** sweater.

او یک پلیور زرد خردلی خرید.

peach

هلویی

The walls were painted a soft **peach** color.

دیوارها به رنگ هلویی ملایم رنگ شده بودند.

lilac

یاسی خیلی روشن

Lilac is often used in spring fashion.

رنگ یاسی خیلی روشن اغلب در مد بهاری استفاده می شود.

burgundy

شرابی تیره

She chose **burgundy** lipstick for the event.

او برای مراسم رژ لب شرابی تیره انتخاب کرد.

azure

لاجوردی

The once **azure** skies of Athens have been ruined by atmospheric pollution.

آسمانهای آتن که یک زمان لاجوردی بودند، توسط آلودگی جوی خراب شده اند.

ivory

عاجی

Ivory is a yellow-white color.

رنگ عاجی یک رنگ زرد و سفید است.

pea green

سبز نخودی

Can we buy that **pea-green** rug?

می توانیم آن قالی سبز نخودی را بخریم؟

maroon

سرخ

The flowers are deep **maroon**.

گل‌ها سرخ تیره هستند.

coral

مرجانی

Paul wore pale gray pants with a **coral** T-shirt and black jacket.

پاول شلوار خاکستری کم رنگ به همراه یک تیشرت مرجانی و ژاکت سیاه پوشید.

lime (green)

سبز لیمویی

Dude! Why are your socks **lime green**?

رفیق! چرا جورابهایت به رنگ سبز لیمویی هستند؟

crimson

زرشکی

His face was **crimson** with anger.

صورتش از عصبانیت زرشکی شده بود.

khaki

خاکی

Khaki has been used by many armies around the world for uniforms, including camouflage.

رنگ خاکی توسط بسیاری از ارتش های دنیا برای لباس فرم نظامی استفاده شده است، که شامل استتار هم می شود.

plum

بنفش کدر

a **plum**-colored hat

یک کلاه بنفش کدر

indigo

نیلی

He was dressed in a black shirt and frayed **indigo** jeans.

او پیراهن مشکی و شلوار جین ریش ریش نیلی پوشیده بود.

salmon

سالمونی، حنایی

A: I don't like **salmon**.

من salmon دوست ندارم.

B: The color or the fish?

رنگش یا ماهی اش؟

توصیف رنگ‌ها (صفت‌هایی برای رنگ‌ها به انگلیسی)

در اکثر موارد وقتی آموزش رنگ‌ها به انگلیسی در سایت‌های دیگر را بررسی کنیم، فقط ۴ صفت اصلی را می‌بینیم یعنی:
pale – bright – light – dark

اما واقعیت این است که صفات مربوط به رنگ‌ها بسیار بیشتر از این حرف‌ها هستند. این صفت‌ها می‌توانند حس منفی یا مثبتی را منتقل کنند یا این‌که اصلاً صرفاً واقعیت‌ها و جزئیات مربوط به رنگ‌ها را بیان کنند. در ادامه به تعدادی از مهم‌ترین صفت‌ها برای توصیف رنگ‌ها می‌پردازیم:

صفت رنگ‌ها به انگلیسی با بار معنای مثبت

ablaze

درخشان، شعله‌ور از رنگ

The sky was **ablaze** with orange and pink at sunset.

آسمان هنگام غروب با رنگ‌های نارنجی و صورتی درخشان شده بود.

beaming / bold

روشن و درخشان / پررنگ

She chose a **bold** red lipstick for the event.

او برای مراسم یک رژ لب قرمز پررنگ انتخاب کرد.

bright

روشن

The **bright** yellow paint made the room look bigger.

رنگ زرد روشن باعث شد اتاق بزرگتر به نظر برسد.

colorful

رنگارنگ

The market was full of **colorful** handmade crafts.

بازار پر از صنایع دستی رنگارنگ بود.

dappled

خال خالی

The **dappled** light created beautiful patterns on the floor.

نور خال خالی شکل های زیبایی روی زمین ایجاد کرده بود.

deep

عمیق، تیره (عمق رنگ بالا)

She painted the wall a **deep** blue to add elegance.

او دیوار را آبی عمیق رنگ کرد تا جلوه اش شیک تر شود.

electric

روشن و متالیک مانند، الکتریکی

He wore an **electric** blue jacket to the concert.

او برای کنسرت یک کاپشن آبی الکتریکی پوشیده بود.

festive

شاد و بامزه (از نظر رنگ)

The **festive** colors made the party atmosphere lively.

رنگ‌های شاد و بامزه فضای مهمانی را پرنشاط کردند.

fiery

آتشین و درخشان

The artist used **fiery** reds and oranges in the painting.

هنرمند در نقاشی از قرمزها و نارنجی‌های آتشین استفاده کرد.

flamboyant

جیغ، پرزرق و برق

She loves wearing **flamboyant** colors in summer.

او دوست دارد در تابستان لباس‌هایی با رنگ‌های جیغ و پرزرق و برق بپوشد.

fresh

تازه، سرزنده

The room looked **fresh** with light green curtains.

اتاق با پرده‌های سبز روشن، تازه و سرزنده به نظر می‌رسید.

glistening / glittering

درخشان و اکیلی

Her **glittering** gold dress caught everyone's attention.

لباس طلایی اکیلی او توجه همه را جلب کرد.

glowing

درخشنده

The candles gave the room a soft, **glowing** light.

شمع‌ها نور نرم و درخشنده‌ای به اتاق می‌دادند.

harmonious

هماهنگ، موزون

The artist chose **harmonious** colors for the landscape.

هنرمند برای منظره از رنگ‌های هماهنگ استفاده کرد.

iridescent

رنگین‌کمانی، چندرنگِ براق

The soap bubble had an **iridescent** surface.

سطح حباب صابون رنگین‌کمانی بود.

jazzy

روشن، زنده، توی چشم

He decorated his room with **jazzy** neon colors.

او اتاقش را با رنگ‌های نئونی روشن و زنده تزئین کرد.

prismatic

منشوری، چندرنگ

The crystal created **prismatic** colors on the walls.

کریستال روی دیوارها رنگ‌های منشوری ایجاد کرده بود.

radiant

تابناک، درخشنده، درخشان

She looked beautiful in a **radiant** white dress.

او در یک لباس سفید درخشان بسیار زیبا به نظر می‌رسید.

sepia

قهوه‌ای مایل به قرمز قدیمی‌طور

The old photo had a warm **sepia** tone.

عکس قدیمی یک تُن سپیا (قهوه‌ای مایل به قرمز) داشت.

vibrant

زنده و پر جنب و جوش

The city is known for its **vibrant** street art.

این شهر به خاطر هنر خیابانی زنده و پر جنب و جوشش مشهور است.

vivid

روشن، جیغ

The artist used **vivid** colors to make the painting pop.

هنرمند از رنگ‌های روشن و جیغ استفاده کرد تا نقاشی چشمگیرتر شود.

صفات رنگ با بار معنایی منفی

ashy

خاکستری، کمرنگ و بی‌روح

His skin looked **ashy** in the cold weather.

پوستش در هوای سرد بی‌روح و خاکستری به نظر می‌رسید.

bleak

بی‌رنگ‌ورو، غمناک

The landscape looked **bleak** in winter.

منظره در زمستان بی‌رنگ‌ورو و غمناک به نظر می‌رسید.

blotchy

لکه‌لکه، ناهمگون

The paint dried in a **blotchy** pattern.

رنگ به شکل لکه‌لکه خشک شد.

brash

زیادی جیغ و توی چشم، زننده

The **brash** colors of the sign annoyed many people.

رنگ‌های بیش از حد جیغ آن تابلو خیلی‌ها را اذیت کرد.

cold

سرد، بی‌روح

The room felt **cold** because of the gray walls.

اتاق به خاطر دیوارهای خاکستری سرد به نظر می‌رسید.

colorless

بی‌رنگ

His face looked pale and **colorless** after the illness.

چهره‌اش بعد از بیماری بی‌رنگ و پریده بود.

dark

تیره

She prefers **dark** colors in winter.

او در زمستان رنگ‌های تیره را ترجیح می‌دهد.

dim

تیره و تار

The room had a **dim** yellow light.

اتاق نور زرد تیره و تار داشت.

loud

خیلی تند و جیغ، شدید

The **loud** neon colors hurt my eyes.

نگ‌های نئونی بیش از حد جیغ چشمم را اذیت کردند.

muddy

تیره، گل‌آلود، مبهم

The picture looked **muddy** because of poor lighting.

عکس به خاطر نورپردازی بد، مبهم و گل‌آلود به نظر می‌رسید.

opaque

مات، غیرشفاف

The **opaque** glass did not let any light through.

شیشه مات هیچ نوری را عبور نمی‌داد.

saturated

اشباع، خیلی پررنگ

The **saturated** colors made the painting intense.

رنگ‌های اشباع‌شده باعث شدند نقاشی خیلی شدید و پررنگ به نظر برسد.

sooty

دودی، دوده‌ای

The walls were covered in a **sooty** black color.

دیوارها با رنگ مشکی دوده‌ای پوشیده شده بودند.

washed-out

رنگ‌ورورفته، کم‌رنگ

His shirt looked **washed-out** after many washes.

پیراهنش بعد از شست‌وشوهای زیاد رنگ‌ورورفته به نظر می‌رسید.

جمع بندی

شناختن رنگ‌ها در انگلیسی فقط برای حفظ کردن چند واژه نیست؛ بلکه ابزاری مهم برای توصیف دقیق اشیا، احساسات، لباس، طبیعت و حتی سبک شخصی ماست. در این مقاله با رنگ‌های اصلی، ثانویه، سایه‌ها و ده‌ها صفت کاربردی برای توصیف رنگ آشنا شدیم تا بتوانید در مکالمه و نوشتار، رنگ‌ها را طبیعی و حرفه‌ای بیان کنید. با تمرین روزانه و استفاده از این واژه‌ها در جمله، دایره‌ی لغات شما خیلی سریع تقویت می‌شود.

سوالات متداول رنگ‌ها به انگلیسی

فرق بین "light blue" و "bright blue" چیست؟

Light blue یعنی آبی روشن؛
Bright blue یعنی آبی روشن پررنگ و درخشان.

برای گفتن «رنگ طلایی» از gold استفاده کن یا golden؟

برای جنس طلا → gold
برای رنگ طلایی → golden

کدام املا درست است: gray یا grey؟

هر دو درست اند؛
Gray آمریکایی، grey بریتانیایی است.

چطور می‌توانم رنگ‌ها را در جمله به درستی به کار ببرم؟

ساختار پایه:
اسم + فعل to be + رنگ
مثلاً: The car is red.